

متن پرسش

با عرض سلام و ادب خدمت استاد بزرگوار: در روز سالگرد سید شهیدان اهل قلم مرتضی آوینی خواستم این سؤال مطرح شود که اگر ما در این روزگار از وجود با بصیرت ایشان در عرصه رسانه محروم نمی بودیم و یا لااقل بعد از شهادت ایشان در جبهه انقلاب فعالانی پیدا می شدند که مثل ایشان اهمیت رسانه را درک می کردند آیا مسائل فرهنگی اجتماعی ما مثل حجاب همین می بود که الان هست؟ آیا فقدان شهید آوینی ها در جبهه انقلاب در عرصه رسانه باعث نشد که دشمن هنجارهای اجتماعی چون حجاب را تبدیل به مسئله و بحران کند و از آن با هدف ایجاد تفرقه به عنوان یک گسل اجتماعی استفاده ابزاری سوء کند؟ روزگاری رضا شاه خواست با توسل به زور چادر را از سر مادرزبانان ما بردارد ولی نتوانست. نتوانست چون حجاب مادرزبانان ما یک حجاب خودخواسته بود و برای حفظ کردن این حجاب خودخواسته حتی حاضر بودند هزینه جانی بدهند. بعد از صد سال بر سر جامعه ما چه گذشت که برای برخی از دختران و زنان جامعه ما بی حجابی خودخواسته مطرح شد تا آنجا که برای این بی حجابی خودخواسته حاضر به پرداخت هزینه شوند تا بی حجابی خود را حفظ کنند؟ در اینکه این مسئله در جامعه ما نیاز به آسیب شناسی دارد شکی نیست ولی آیا سوال اول این نباید باشد که آسیب را در کجا می بایست جستجو کرد؟ آیا آسیب را باید در عدم سازگاری نوع خوانش ما از اسلام با تمدن غربی و مدرنیته جستجو کرد؟ به نظر بنده اگر چنین کنیم درست در عکس جهت حل بحران قدم بر می داریم و نقطه قوت هویت ایرانی اسلامی خود را به نقطه ضعف تبدیل کرده و آن را در برابر هر چه بیشتر غربی شدن و در نتیجه بحرانی تر شدن جامعه خود ذبح می کنیم. وقتی حرف از فرهنگ منحنی غرب به میان است در حالی که امروزه با چشم خود شاهد به منجلا ب رفتن فرهنگ غرب با تمام از خود بیگانگی و بی هویت شدن ملت های دلبسته به این فرهنگ هستیم سوال اصلی این است که به چه هویت فرهنگی محکمی نیاز داریم که از نظر مبانی استحکام و انسجام لازم را برای تقابل با فرهنگ منحنی غرب دارا باشد! و این درست همان زن باحجاب مسلمان است با یک هویت ایرانی اسلامی. ولی مشکل در کجاست که این هویت مستحکم زن با حجاب برای بخشی از جامعه زنان ما جا نیفتاد و از آن فاصله گرفتند. به نظر این حقیر ما در این چند سال اخیر نتوانستیم با ارائه الگوی هویتی صحیح یک ذهنیت درست از زن با حجاب ایرانی مسلمان در نسل جوان ایجاد کنیم و به ابزارهای الگوساز در جامعه که بدون شک سینما از مهمترین آنهاست یا اهمیت ندادیم و یا این ابزار مهم را به غربگرایان لیبرال واگذار کردیم تا بوسیله یک سینمای مبتذل اوضاع را وخیم تر کنند و بر این زخم باز بیشتر نمک بپاشند. از طرف دیگر دشمن بیکار ننشست و رفت به سراغ تغییر ذهنیت یعنی

این نقطه ضعف ما را تبدیل به نقطه قوت خود کرد و از ابزار سینما و فضای مجازی برای هویت سازی و تغییر ذهنیت و درک زنان جامعه ما از حجاب از هیچ حربه ای فروگذار نکرد. به نظر این حقیر نسل جوان ما برای رو آوردن دوباره به هویت باحجاب خود بیشتر از اینکه نیاز به دلیل عقلی و استدلال و مباحثه و نقد و جدل داشته باشد نیاز به یک الگو و یک ذهنیت صحیح از یک زن باحجاب با هویت ایرانی اسلامی دارد. الگویی که ارائه دادن آن سواد می‌خواهد، مبنای درست فکری و نبوغ هنری می‌خواهد، الگویی که شاید شهید آوینی عزیز عهده دار ارائه دادن آن در سینما بود اگر الان در میان ما می‌بود. گاهی یک فیلم خوب کار هزاران ساعت جلسه بررسی و تحلیل و نقد را می‌کند. فیلمی با ارائه یک الگو، الگویی که با واقعیت فاصله نداشته باشد، الگویی که از بدو تولد تا مرگ طیب و طاهر و بدون لغزش و اشتباه زندگی نکرده باشد، الگویی که چه بسا قبل از الگو شدن خود به طرف فرهنگ غربی و خطر بی هویتی دچار شده باشد ولی در کشاکش حوادث روزگار خود را پیدا کند. الگویی که آن زن بد حجاب یا بی حجاب ما بتواند با آن همزادپنداری کند و با آن ارتباط برقرار کند، گویی سرنوشت خود او باشد و بتواند از پیام آن فیلم برای نجات خود از بی هویتی مدد بگیرد و حتی خود او را تبدیل به یک مصلح اجتماعی کند که در قالب یک زن با هویت مسلمان با سلاح حجاب و فضیلت اخلاق به جهاد با تهاجم فرهنگی غرب برود. با سلام و درود بر روح سید شهیدان اهل قلم. التماس دعا

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: چه اندازه در نکاتی که می‌فرمایید بنده به جنابعالی خود را نزدیک می‌بینم بخصوص که حقیقتاً همان‌طور که می‌فرمایید شهید آوینی به نحوی روح زمانه ما را می‌شناخت و جوانان ما در مواجهه با سخن او می‌توانستند راه دیگری را انتخاب کنند که نه بیرون از حضور در جهان جدید است و نه فرورفتن در منجلاب غرب‌زدگی، و به جای آن حتی در حجاب، قهرمانان پاسداری از حجاب بودند زیرا در آن میدان عملاً هویت تاریخی خود را تجربه می‌کردند. آری! و صد آری! حقیقتاً ما میدان سینما را تا آن حد از دست دادیم که دشمنان ما از طریق همان سینما، ذهن‌ها را تغییر دادند و این‌جا است که هوشیاری شهید آوینی بیشتر درک می‌شود که چرا او نیز از طریق همان به گفته خود «آینه جادو» یعنی سینما توانست معجزه روایت فتح را به میان آورد و با طرح شخصیت‌های نمونه، این نسل با همزادپنداری خود به آنچه که سخت بدان نیاز بود و گم کرده بود؛ دست یابد. به نظر بنده به نکات دقیقی اشاره فرموده‌اید که بهتر است کاربران عزیز همان متن جنابعالی را مد نظر قرار دهند تا معلوم شود شهید آوینی ما بیش از آن‌که برای فردای ما باشد، برای حضور هرچه بیشتر ما در آینده خواهد بود و در این رابطه عرایضی تحت عنوان «با شهید آوینی در کجای تاریخ خود قرار می‌گیریم؟» <https://eitaa.com/matalebevijeh/19105> شده است که خوب است نظری به آن انداخته شود.

موفق باشید